

زنان و جنبش‌های رها پی بخش

نیره نوری

پرداختن به جایگاه بانوان در تاریخ معاصر این سرزمین بسیار حائز اهمیت است. زنان ایرانی در گذر زمان، خصوصا در دهه‌های اخیر با تلاش و کوشش فراوان، موجب ارتقا و رشد سطح دانش، بینش و اندیشه خود گردیده‌اند. در این عرصه در کنار مردان و شاید در مواردی پیشاپیش آنها حرکت و توفیق داشته‌اند. آنچه اهمیت این رشد و بالندگی را بیشتر می‌کند آن است که در مسیر رشد و توسعه، معمولا عوامل بازدارنده و چالش‌برانگیز در مسیر بانوان از همدلی‌ها و همراهی‌ها پیشی داشته و انرژی فراوانی را از جنبش و حرکت زنان به جهت کنترل این مخالفت‌ها و کج‌اندیشی‌ها به خود اختصاص داده است. از قبل انقلاب و شاید اوایل دهه چهل مخالفت بخش‌هایی از جامعه خصوصا بخش سنتی و روحانیت با حضور اجتماعی زنان و مشارکت در امر تعیین سرنوشت و حق رای پررنگ بود. با گسترش فضای انقلابی و توسعه فراگیری نهضت با شعارها و خواسته‌های اساسی در مخالفت با دیکتاتوری و استبداد رژیم پهلوی، جامعه سنتی و بخشی از روحانیون به اهمیت حضور و فعالیت زنان در عرصه اجتماع و همایش‌ها و اجتماعات خصوصا به جهت انرژی بالا و شجاعت و ایثارگری این بخش از جامعه در مخالفت با استبداد و خودکامگی پهلوی، همراه شد. به گونه‌ای که حضور زنان در ماه‌های منتهی به انقلاب ۵۷ پیشاپیش اعتراضات مردمی کاملا پررنگ و تاثیرگذار و پیشرو بود. در آن زمان حضور زنان در عرصه اعتراضات و فعالیت‌های اجتماعی، با پشتیبانی رهبران انقلاب و نهضت ضداستبدادی علیه رژیم پهلوی همراه بود و هیچ‌گونه محدودیت و مرزبندی برای حضور زنان در مبارزات ضداستبدادی علیه رژیم پهلوی چه از منظر پوشش و سبک زندگی و باورهای اعتقادی و مذهبی، موضوعیتی نداشت. همچنان‌که برای مردان حاضر در اعتراضات این محدودیت‌ها از طرف رهبران و کنشگران انقلابی در نظر گرفته نمی‌شد؛ همه با هر نوع دیدگاه، فکر و اندیشه و پوشش و سبک زندگی و... یک موضوع مشخص را پیگیری می‌کردند؛ نفي استبداد و دیکتاتوری خودکامه حاکم بر مردم ایران، یعنی شاه و عوامل سرکوب وابسته به رژیم. انقلاب ۵۷ با حضور حداکثری تمام تفکرات و اندیشه‌های ضداستبدادی و اقشار مختلف و متنوع مردم ایران و با شعار محوری

«استقلال، آزادي، جمهوري اسلامي» به پيروزي رسيد. جهت رسيدن به حاکميتي فراگير، آزاد، مستقل و اسلامي و متکي به راي و نظر مردم و با حضور همه تفکرات و اندیشه‌ها در بهمن ۵۷ به سرانجام رسيد. زنان و مردان که در کنار هم و با اراده بالا و بدون خطکشي‌هاي خودي و غيرخودي، عليه استبداد به پا خواستند و به دنبال استقلال و آزادي بودند و با هر نوع محدوديت و استبداد در هر لباسي مخالفت مي‌ورزيدند. تا چند سال ابتدائي پس از انقلاب ۵۷ علي‌رغم برخي تسويه‌حساب‌ها و حذف‌ها که شکل و نتيجه آن قابل‌تامل و بررسي است...

مسير تا حدود زيادي با آرمان‌هاي نهضت ضداستبداد و انقلاب ۵۷ هماهنگ بود. کسي در سبک زندگي، اندیشه، تفکرات و پوشش مردم سرک نمي‌کشيد ولي کم‌کم فضا به سمت تندروي، حذف و محدوديت و... رفت. نقش جدي جريانات فکري خاص خصوصاً مجاهدين خلق در بسترسازي و تقويت و سرعت بخشيدن به ايجاد محدوديت براي فضاي آزادانديشي و آزادي بيان بسيار پررنگ بود و بهانه‌اي شد در دست تفکراتي که به دنبال حذف رقباي سياسي و بسته و محدود کردن فضاي سياسي و اجتماعي کشور بودند. گسترش محدوديت‌ها و بسته شدن فضاي سياسي و اندیشه‌ورزي و ايجاد محدوديت‌هاي اجتماعي به ويژه براي بانوان جامعه بيشتر محسوس بود. به گونه‌اي که جامعه بايد با يك نوع ديدگاه و تفکر و برداشت تنگ‌نظرانه از دين و سياست در حوزه اجتماعي و فرهنگي خود را هماهنگ مي‌کرد. به مرور تفکرات تندرو و اندیشه‌هاي خشک جاي خود را به نظرات روشن‌فکرانه و ضد استبدادي ماه‌هاي قبل انقلاب ۵۷ داد. در اعمال تفکرات محدودکننده؛ زنان و دختران با بيشترين آسيب و محدوديت مواجه شدند. البته با مرور زمان، زنان با افزايش توانمندي‌ها و سطح علمي و آکادميک خود جايگاه خويش را در جامعه ارتقا دادند. ولي هنوز پس از گذشت ۴۳ سال از بهمن ۵۷، شاهد برخوردها و تفکرات زن‌ستيزانه که متأسفانه معمولاً در نگاه کساني که مدعي دينداري هستند و القابي چون انقلابي و حزب اللهی را يدک مي‌کشند و در ساختار حاکميت نيز داراي قدرت مي‌باشند، ديده مي‌شود. نمونه اخير اين نگاه تنگ‌نظرانه و سياسي و مردسالار به موضوعات مرتبط به جامعه زنان، برخورد زشت و زننده و توهين‌آمیز با دو بانوي انديشمند و فرهيخته خانم‌ها زهرا شجاعي و مولاوردي در برنامه جهان‌آرا (شبکه افق) بوديم و متأسفانه در اين نوع نگاه زن‌ستيزي‌ها و توهين به زنان بخشي از بانوان نيز نقش‌آفريني مي‌کنند. به درستي بايد اشاره کرد که، گسترش دانش و آگاهي جامعه و بالا رفتن توانمندي و اندیشه و علم زنان مقدمه‌اي است براي تدوين و گسترش

قوانین و حقوق انسانی حامی و مدافع بانوان تا از ابراز سلیقه شخصی، تند و متحجرانه و محدودکننده بانوان و کنشگری و اثرگذاری آنها جلوگیری شود. معمولاً قوانین محدودکننده حقوق و آزادی‌های زنان، توسط مردان جامعه تدوین و به زبان می‌آید و به همین جهت باید برای احقاق حقوق و آزادی‌های زنان، در کنار تلاش همه‌جانبه جنبش زنان، اندیشمندان، فرهیختگان، دانشگاهیان و روحانیون عالم به‌روز، تلاش فراوانی کنند تا بتوان حقوق و قوانین حافظ منافع و حقوق برابر برای بانوان جامعه ایران و نیز ایجاد شرایط برابری برای تلاش و کنشگری و تاثیرگذاری زنان در جامعه و در تمام حوزه‌ها فراهم و عملیاتی کرد.

منبع: روزنامه اعتماد 18 بهمن 1400 خورشیدی